

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد و قابل ویرایش این

اقدام پژوهی با قیمت فقط ۲۰۰۰ تومان به سایت علمی پژوهشی آسمان مراجعه

کنید . www.asebankafinet.ir



وزارت آموزش و پرورش

اداره کل آموزش و پرورش استان

اداره آموزش و پرورش شهرستان

عنوان اقدام پژوهی :

چگونه توانستم با تجمیع راهکارهای آموزشی افت تحصیلی دانش آموزانم را بر طرف نمایم؟

نام و نام خانوادگی مولف اول /مجری اصلی :

پست سازمانی : معاون آموزشی

رشته تحصیلی :

آخرین مدرک تحصیلی :

دوره تحصیلی :

سمت فعلی :

شماره پرسنلی :

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد و قابل ویرایش این

اقدام پژوهی با قیمت فقط ۲۰۰۰ تومان به سایت علمی پژوهشی آسمان مراجعه

کنید . www.asebankafinet.ir

فهرست مطالب

۳	چکیده.....
۳	کلیدواژه :
۴	مقدمه.....
۵	بیان مسئله.....
۶	توصیف وضع موجود.....
۷	گرد آوری شواهد (۱).....
۷	الف : وضعیت درسی.....
۸	ب : پرسش نامه.....
۱۰	د : مصاحبه با همکاران.....
۱۱	پیشینه تحقیق :
۱۳	تجزیه و تحلیل داده ها.....
۱۹	یافتن راه حل ها.....
۲۳	گردآوری شواهد (۲).....
۲۵	نتیجه گیری.....
۲۷	فهرست منابع.....

چکیده

بر تمام افراد جامعه بخصوص آنان که به نوعی با آموزش و پرورش در ارتباطند لازم است به هر نحو که می توانند راهی را برای بهتر کردن وضع تعلیم و تربیت و آموزش و پرورش و رفع کمبودها و اشکالات آموزشی پیدا نموده و علل و عواملی که در پیشرفت تحصیلی نسل های آینده و حال موثرند را بررسی و کشف نمایند. بیش از ۸۰٪ شخصیت کودکان و نوجوانان در متن خانواده، در کنار پدر و مادر شکل می گیرد و خانواده بعنوان اولین پایگاه تعلیم و تربیت و نخستین مدرسه کودکان می باشد و در مورد پیشرفت تحصیلی فرزندان و آینده سازان نقش اساسی را دارند، لازم است در این باره علل کمبود و نقایص برخورد اولیا پیگیری و در جهت پیشرفت تحصیلی فرزندان بکار گرفته شود. بنده در سال تحصیلی اخیر بارها در آموزشگاه مشاهده می کردم که تعدادی از دانش آموزان به دلایل مختلفی نسبت به بقیه دچار افت تحصیلی هستند و در ارزشیابی های کتبی و شفاهی دچار وضعیت ضعیفی هستند. در بسیاری از مواقع می دیدم که شاگردان دچار تحقیرها و سرزنش ها و تنبیهات قرار می گرفتند و گاهی نیز گره بسته ی آنان با اتخاذ مواضع نادرست والدین یا خود من بسته تر می شد. با مشاهده ی این مسأله در آموزشگاه تصمیم گرفتم با پیدا کردن راه حل های مناسب و ابتکاری سرنوشت آنها را تغییر دهم، در نتیجه با مطالعه کتاب های گوناگون و تحقیقات انجام شده قبلی توانستم با برگزاری جلسات مداوم والدین اثر بخش و با اجرای سه روش شامل:

۱ - دادن برنامه پیشنهادی درسی

۲ - رودررویی و تبادل نظر دانش آموز قوی با ضعیف

۳ - تهیه فرم نظارت خانواده بر امور درسی فرزندشان

روز به روز به فراگیری آنان روح تازه ای بخشیده و آنان را به درس و مدرسه علاقه مند کرده و آنها را موفق و شاد بینم.

کلیدواژه: جلسات، والدین اثر بخش، فرایند آموزشی، دانش آموزان

بدیهی است که کشور ما به مطالعات و تحقیقات مربوط به آموزش و پرورش نوجوانان و کودکان نیاز فراوان دارد و در این میان لازم است به مسائل و مشکلات مهمی که به نحوی به پیشرفت تحصیلی دانش آموزان لطمه می زند توجه لازم مبذول گردد. لذا تحقیقاتی ارزنده و معضل گشا در این زمینه برای رسیدن به وضع نسبتاً مطلوب و ضروری به نظر می رسد که از طریق یافتن راههای پیشرفت تحصیلی از جنبه های عوامل موثر خانوادگی ، آموزشی و پرورشی در این مسیر قدم های موثر و راهگشایی در جهت حل این مشکل بزرگ برداشته شود که مهمترین و پر اهمیت ترین بررسی ها و دست آوردها از مسائل و عوامل خانوادگی در جنبه های پیشرفت تحصیلی از هدفهای عمده و اساسی من در این اقدام پژوهی است. در جهان امروز مشارکت و آموزش از پایه های بنیادین توسعه هستند با توجه به این که آموزش و پرورش نتیجه فعالیتهای سه نهاد عمده خانه، مدرسه و جامعه است. همکاری این سه نهاد در امور آموزش و پرورش بیش از پیش ضرورت دارد (قاسمی پویا، ۱۳۸۰، ۸۵).

در این میان همکاری اولیا در امور تحصیلی فرزندان با مدرسه از اهمیت ویژه ای برخوردار است. البته هرگاه صحبت از تعلیم و تربیت به میان می آید اغلب مردم آموزش و پرورش را در نظر می گیرند و بار سنگین تعلیم و تربیت را به دوش مدرسه می گذارند. بعضی از خانواده ها تصور می کنند که فقط مدرسه مسئول تعلیم و تربیت فرزندان است و همه ی مشکلات باید در آنجا حل شود آنها از آموزش و پرورش انتظار دارند فرزندان را به بهترین وجه ممکن برای داشتن یک زندگی سالم و به دور از هر نوع آشفتگی تربیت نموده و مهارت های لازم این زندگی مورد انتظار آنها را به فرزندان آموزش دهد.

کار این دو گروه (اولیا و مربیان) آنقدر به هم مرتبط است که اگر یکی قصور کند تلاش دیگری خنثی می شود. بنابر این هر پدر و مادری که فرزند خود را به یک واحد آموزشی می سپارند به عنوان عضوی از آن واحد آموزشی در آمده و باید خود را موظف به همکاری و همفکری با افرادی که در آموزش و پرورش فرزندان شان سهم دارند، بدانند. (حیدری کیا، ۱۳۸۷)

در سایه تداوم ارتباط والدین و مربیان است که رفتارهای نابهنجار و وضعیت‌های نامطلوب آموزشی دانش-آموزان بهبود خواهد یافت و محیط آموزشی، محیطی امن و همراه با همدلی و همکاری خواهد بود. (امیراحمدی آهنگ، ۱۳۸۸، ص ۷۹)

بنابر اهمیت ارتباط بین خانواده و مدرسه در حل مسائل دانش‌آموزان و پیشرفت تحصیلی آنها در این اقدام پژوهی این موضوع در آموزشگاه شهرستان مورد بررسی قرار می گیرد.

بیان مسئله

عدم آگاهی اولیاء از حقوق خود در قبال مدرسه ، ترس از درخواست کمک مالی مدرسه ، آگاه نبودن از نقش و تأثیر مشارکت در پیشرفت امور مدرسه و از همه مهمتر کم توجهی مسؤلان مدارس و ادارات آموزش و پرورش نسبت به عقاید و نظرات اولیاء از جمله علل عدم مشارکت آن ها محسوب می شود .

لازم است سیاست ها و برنامه های تربیتی و آموزشی کشور با نگاهی واقع بینانه به آسیب های مختلفی که هم اینک خانواده ها در سطح کشور درگیر آن هستند اعم از مباحث اقتصادی، اجتماعی ، فرهنگی و ... در جهت فرهنگ سازی و نهادینه کردن فرهنگ مشارکت اولیاء در امور مدرسه جهت گیری نماید تا پدران و مادران با علاقه و رغبت بیشتر در امور مدرسه فرزند شان شرکت نمایند و باور کنند به همان میزان که در جهت آرامش و آسایش فرزندان خود در خانه تلاش می کنند باید به همان اندازه با حساسیت بیشتر در پی رشد و بالندگی مدرسه آنان باشند . مدارس نیز به جای گزارش عملکرد پیشرفت تحصیلی به اولیاء در جلسات حضوری ، زمینه مشارکت آنان را در تصمیم گیری ها فراهم نمایند .

توانایی مدیران مدارس و روش ها و شیوه های آنان بیشترین تأثیر در جلب اولیای دانش آموزان دارند . شناسایی خلاقیت ها و ابتکارات مدیران ، لازمه پیشرفت در این زمینه است، البته در کنار آن باید راهکارهایی اندیشیده شود تا ادارات آموزش و پرورش در این رابطه دست مدیران را باز گذاشته و آن ها را محدود به قانون و مقررات خشک و بخشنامه ی ادار ی ننمایند ، زیرا روابط بخشنامه ای تاکنون بین مدیران

و اولیاء پاسخگوی نیاز جامعه نبوده است. به هر حال مشارکت واقعی ، لازمه پیشرفت تحصیلی دانش آموزان است ولی واقعیت هایی در نظام آموزشی ما وجود دارد که قابل تأمل است .

از یک سو تحصیلات در مدارس دولتی بنا به قانون باید رایگان باشد و از سوی دیگر آموزش و پرورش هزینه اداره ی مدارس در قالب سرانه آموزشی را به مدارس پرداخت نمی کند و این در حالی است که به هنگام ثبت نام در رسانه ملی به مردم توصیه می شود که هیچ هزینه ای پرداخت نکنند و به مدیران نیز بخشنامه می شود که هزینه ای دریافت نکنند، اما آیا مدرسه بدون هیچ هزینه ای می تواند به حیات آموزشی و پرورشی خود ادامه دهد . آیا مدارس مصرف آب و برق و کاغذ و تعمیرات ساختمان و دستگاه های موجود ندارند .

در چند سال گذشته میزان دریافت سرانه آموزشی بسیاری از مدارس به اندازه شارژ اینترنت مدرسه نبوده است ، با این وضعیت چه توقعی داریم که مدارس در رشد و پیشرفت آموزشی نونهالان مانقش مؤثری داشته باشند .

توصیف وضع موجود

اینجانب معاون آموزشی آموزگاه شهرستان می باشم بنده دارای سال سابقه در آموزش و پرورش می باشم . از ابتدای سال تحصیلی در موارد متعدد متوجه شدم که آزمون های بسیاری که به عمل می آمد و روش تدریس های متعدد و فعال که معلمان به کار می گرفتند تعدادی از دانش آموزان شدیداً دچار افت تحصیلی هستند. این دانش آموزان حتی سرکلاس هنگام تدریس یا حل کردن تمرینات علاقه ای از خود نشان نمی دادند و معلمان نیز مجبور به استفاده از راه حل های موقت جهت جلب توجه آنها نسبت به درس بودند. هر بار پس از تصحیح برگه های امتحانی توسط معلمان واقعاً نگران می شدم و به این فکر می کردم که چرا اینگونه است ؟ و چگونه می توانم این وضعیت نامطلوب را تغییر دهم .

برای یادگیری بهتر گاهی امتحانات شفاهی برگزار می شد اما باز می دیدم که نتیجه ی آن چنان مطلوب حاصل نمی شود .

در هنگام سرکشی به کلاسها و مشورت با معلمین بعد از امتحانات کتبی از دانش آموزان می خواستم که به عنوان تکلیف شب جواب سؤالاتی را که پای تخته نوشته می شد پیدا کنند و بیاورند ، باز هم این چند نفر تلاش برای پیدا کردن جوابهای صحیح نمی کردند .

با اینکه یا همکاری معلمین مربوطه کلاسها را به گروه هایی ۳ نفره تقسیم بندی کرده بودیم آنها در گروه کاری انجام نمی دادند و کارهای خارج از کلاس را انجام نمی دادند و همیشه داد سر گروه را در آورده بودند بنابر این یک کلاس را به عنوان نمونه انتخاب کردم و با همکاری معلم مربوطه اقدام پژوهی خود را در این رابطه آغاز نمودم.

در مصاحبه هایی که با خود دانش آموزان داشتم آنها اظهار می کردند که قبل از امتحانات درس می خوانند ولی فراموش می کنند . ولی در صحبت با والدین آنها متوجه شدم که آنها نیز از نحوه ی درس خواندن و انجام تکالیف فرزندشان و وضعیت درسی امتحانی آنان ناراضی بودند مسئله را که با تعدادی از آموزگاران در میان گذاشتم آنان نیز عقیده داشتند که دانش آموزان به دلیل مشکلات زیادی که دارند قدرت تمرکز در کلاس را ندارند .

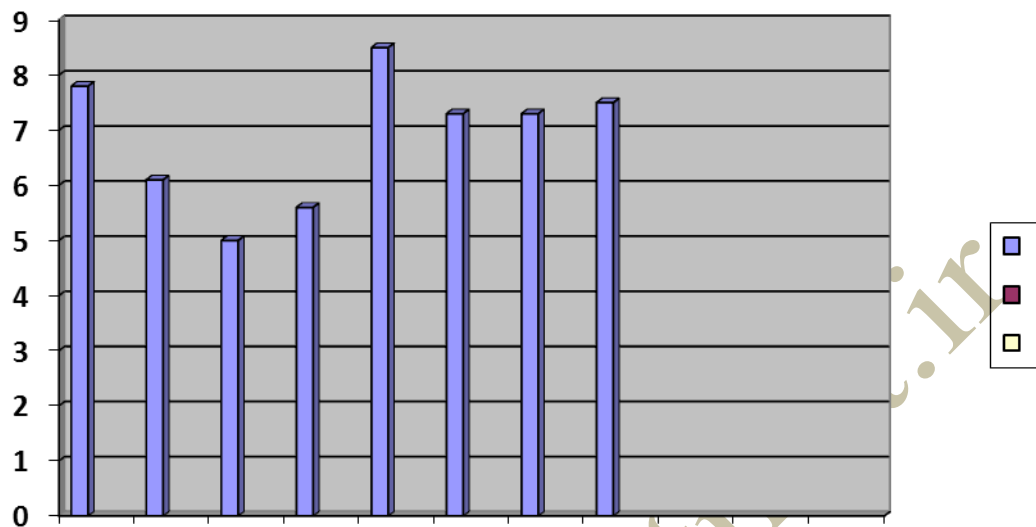
مدیرآموزشگاه نیز اظهار داشتند که باید قبل از امتحانات نوبت اول مشکلات و مسایل آنان شناسایی شود و راه حلی مناسب پیدا کنیم که تا حدودی پیشرفت در وضعیت درسی آنان ایجاد شود دوست داشتم کاری کنم که آنها به دانش آموزان فعالی تبدیل شوند و سطح درسی شان روز به روز بالاتر برود و بدین ترتیب تصمیم گرفتم با تحقیقات مناسب و مطالعه کتابهای مرتبط با این موضوع در این وضعیت تغییری دهم و بدین ترتیب پژوهش من شروع شد .

گرد آوری شواهد (۱)

الف : وضعیت درسی

با توجه به توضیحاتی که در توصیف وضع موجود گفته شد ارزیابی دقیقی از وضعیت درسی سه ماه مهر و آبان و آذر انجام دادم و متوجه شدم که دانش آموزانم در اکثر امتحانات مخصوصاً در دروس ریاضیات ، علوم ، املا ، جغرافیا ، تاریخ و امتحان تشخیصی وضعیت درسی پایینی دارند.

نمودار شماره ۱ : نمودار ستونی میانگین وضعیت درسی مهر، آبان، آذر



ب : پرسش نامه

جهت آگاهی از دلایل دانش آموزان برای درس نخواندن به دانش آموزان پرسش نامه ای دادم که ۱۰ تا از عوامل عمده ی افت تحصیلی (این ۱۰ عامل رابر اساس مطالعات خودم و اظهارات همکاران وبا توجه به مشکلات کلاس از بین ۵۰ دلیل انتخاب نمودم) در آن گنجانده شده بود و از آنها خواستم که آنچه حقیقت است را علامت بزنند .

پس از بررسی و تجزیه و تحلیل پاسخ ها مشخص شد که دانش آموزان به ترتیب عوامل زیر را سبب کاهش وضعیت درسی خود می دانند:

* نداشتن برنامه ریزی درسی مناسب در خانه: ۱۰۰٪

* بی توجهی والدین به اموردرسی فرزندشان: ۱۰۰٪

* درس نخواندن و کم کاری: ۳۰٪

* بی توجهی سر کلاس: ۳۲٪

* بی دقتی در امتحانات: ۳۷٪

* تصمیم نداشتن جهت ادامه تحصیل: ۵۰٪

* ضعیف بودن پایه: ۳۶٪

* اختلافات و درگیریهای والدین: ۷۰٪

* اضطراب امتحان: ۲۵٪

* مناسب نبودن روش تدریس معلم: ۱۲٪

ج: تشکیل جلسه آموزش خانواده

بی تردید باید گفت که خانواده نقش ویژه ای در الگو شدن و آموزش دادن رفتارها و میزان های اخلاقی و اجتماعی دارا می باشد ، هر گونه ارتباط و وابستگی والدین به فرزند و یا فرزند به والدین و یا والدین با یکدیگر به عنوان پایه ای برای ارتباط اجتماعی بعدی فرد می توانند مورد الگو و سرمشق قرار گیرند . کودک سخن گفتن ، راه رفتن ، آداب معاشرت ، آداب غذا خوردن ، طرز لباس پوشیدن ، نحوه برخوردها ، مسئولیت پذیری ، مهر و صفا ، پرخاشگری ، رفتار کناره جویانه ، محبت ، شجاعت ، عاطفه ، تعاون ، کمک به دیگران ، ظلم و تجاوز و ... را از پدر و مادر خود فرا می گیرد. اصولاً در روان شناسی کودک ، خصوصاً در سال های قبل از دبستان رفتار کودک به عنوان آینه ای از رفتار والدین به حساب می آید .

آلبرت باندورا و ریچارد والتزر ، دو محقق روان شناسی که به یادگیری کودک از طریق مشاهده و تقلید از والدین اهمیت زیادی می دهند در یک تحقیق رفتار والدین و رفتار فرزندان آنها را مورد مقایسه قرار دادند آنها چنین نتیجه گرفتند که : کودکان پرخاشگر دارای والدین پرخاشگر هستند و کودکان گوشه گیر دارای والدین گوشه گیر و منزوی می باشند. (کرمی نوری و مرادی ، ۱۳۷۲)

خانواده به عنوان کانون محبت و امنیت

محبت و امنیت یک از اساسی ترین ملزومات برای تربیت و رشد کودک می باشد. کودکی که خصوصاً در سال های اولیه زندگی از محبت خانوادگی و پدر و مادر محروم گردد ممکن است در آینده سازگاری شخصی و اجتماعی او با خطر جدی روبرو شود و از اعتماد به نفس کافی و یا برخوردهای اجتماعی متناسب بهره مند نگردد.

کودک نیاز به تامین امنیت را از رحم مادر آموخته است . او بعد از تولد همچنان می خواهد که در محیط امن و آرام باشد و اساسی ترین وظیفه خانواده خصوصاً در دوران قبل از دبستان بر آوردن همین نیاز کودک می باشد. خانواده حتی این نقش مهم را در دوره های دیگر زندگی همچنان حفظ می کند. دوستان , معلمان و همبازیهای کودک در طول زندگی ممکن است تغییر کنند ولی والدین , تماس نزدیک خود را با کودک در طول زندگی حفظ می کنند و نقش یک نهاد ثابت و پابرجا را برای کودک ایفا می کنند. (کرمی نوری و مرادی , ۱۳۷۲)

یکی از روان شناسان به نام هورنای که امنیت را شرط اساسی برای زندگی می داند معتقد است که والدین از طریق عدم ابراز محبت و دوستی نسبت به کودک , کتک زدن متناوب , از شیر گرفتن زودرس , تبعیض قائل شدن بین فرزندان , تنبیه بیجا , رفتار غیر معقول , استهزا کردن , تحقیر نمودن طرد کردن و ... می توانند امنیت کودک را خصوصاً در سال های قبل از دبستان به خطر بیندازند , حتی محبت و ابراز دوستی مصنوعی نیز نمی تواند موجبات ایجاد امنیت را برای او فراهم آورد. (کرمی نوری و مرادی , ۱۳۷۲)

در تاریخ ۹۵/۸/۲۷ جلسه ای با والدین تحت عنوان والدین موثر ترتیب دادم و با آنها در رابطه با دلایل ضعف درسی فرزندشان و کارهایی که در خانه انجام می دهند صحبت کردم و اظهارات آنها را یادداشت نمودم که مهمترین دلیل ارتباط نداشتن والدین با مدرسه و عدم آگاهی از وضعیت فرزندشان بوده است.

د : مصاحبه با همکاران

در جلسه ای در شورای آموزگاران در تاریخ ۹۵/۸/۲۹ با همکاران در رابطه با دلایل افت تحصیلی تبادل نظر نمودیم .

(آموزگار پایه چهارم) : " بیشتر دلیل گرفتن نمره کم بی توجهی خانواده ها به درس و مشق بچه هاست , چون دانش آموزان این منطقه بیشتر دارای مشکلات خانوادگی از قبیل اختلافات والدین , اعتیاد , زندانی بودن پدر , درآمد کم , بی سوادی هستند و دیگر جایی برای درس خواندن و یا توجه کردن به فرزندشان ندارند . آنها اهمیت نمی دهند که فرزندشان ادامه تحصیل کند و انگیزه ای برای ادامه تحصیل ندارند " .

نظرات آموزگار پایه دوم " دانش آموزان به دلیل ضعف پایه درسی باتلاش های بسیار معلم و خودشان باز نتیجه کمی را بدست می آورند . همچنین خانواده ها نقش مهمی در پیشرفت دانش آموزان دارند و باید آنها را وادار به همکاری نمائیم."

. مدیر محترم آموزشگاه نیز در برگه ای دلایل افت تحصیلی دانش آموزان را نوشته و در اختیار من قرار دادند . طبق نوشته های ایشان عواملی همچون: برخورد والدین با دانش آموز و محیط نا امن خانواده در افت تحصیلی موثر هستند.

ایشان نوشته اند: "برطرف کردن موارد فوق و اجرا نمودن راه کارهای زیر می تواند مفید واقع شود: برنامه ریزی قابل اجرا، تغذیه مناسب، ایجاد صمیمیت، بررسی با دقت تکالیف در منزل، استفاده از تشویق و..."

پیشینه تحقیق :

تعریف افت تحصیلی "منظور از افت تحصیلی (academic drop out) کاهش عملکرد تحصیلی و درسی دانش آموزان از سطح رضایت بخش به سطح نامطلوب است یا به عبارتی دیگر فاصله قابل توجهی که بین توان و استعداد بالقوه و توان بالفعل خود در فعالیتهای درسی و پیشرفت تحصیلی مشهود باشد. گرچه این تعریف می تواند همان کسانی که به دنبال شکست های پی در پی، از تحصیل عقب مانده اند را دربر گیرد، اما مفهوم افت تحصیلی صرفاً مردودی یا شکست در امتحانات نیست و می تواند شامل هر دانش آموزی شود که آموخته های آموزشگاهی او کمتر از توان بالقوه و در حد انتظار اوست. براساس این تعریف دانش آموزان تیزهوش نیز ممکن است دچار افت تحصیلی و کم آموزشی شوند." نصیریان (۱۳۸۲)

قائمی (۱۳۷۸) از دلایل عمده ضعف درسی دانش آموزان به موارد زیر اشاره می کند:

تنبلی، کمی هوش و استعداد، اختلافات والدین درگیریهای والدین، روش کار معلم، تبعیض ها، تنبیهات سخت، سنگینی برنامه، فشارهای روانی، معاشران بد، تمسخر و تحقیرها، محدودیت ها، وابستگی ها، و ... او می نویسد: " شاید ما نتوانیم در مورد اصلاح دانش آموز صددرصد به پیروزی برسیم ولی اصل مسأله باید مورد توجه قرار گیرد که موفقیت ما می تواند از درصد بالایی برخوردار باشد. به هر حال باید علل

زمینه ساز ضعف درسی مشخص شوند و برای رفع آنها و جبران کمبودها خانه و مدرسه باید رابطه ی تنگاتنگ داشته باشند. باید برنامه ریزی شود و معلوم باشد که دانش آموز در خانه باید چه ساعتی از روز درس بخواند؟ چه ساعتی بازی کند؟ کی بخوابد؟ این برنامه ریزی باید بر اساس توانائی های او انجام شود." رحیمی (۱۳۸۶) در مقاله ای تحت عنوان «عوامل موثر بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان» از عوامل موثر در رشد تحصیلی به شرح زیر نام می برد :

۱- سازمان آموزش و پرورش

۲- تأکید بر رشد عقلانی

۳- جو عاطفی مدرسه و کلاس

۴- پیش فرض های معلمان

۵- عقب ماندگی آموخته شده

۶- مسایل درون خانواده

وی در رابطه با اثرات پیشرفت تحصیلی می نویسد:

"اهمیت پیشرفت تحصیلی در سلامت روانی دانش آموزان به حدی است که برخی از متخصصان آن را حداقل تا نیمه دوم دوره جوانی معیار اساسی برای تشخیص عملکرد سالم دانسته اند". بلوم به نقل از رحیمی (۱۳۶۸) می نویسد: "هنگامی که محیط مدرسه محیطی حاکی از شایستگی و لیاقت را برای دانش آموزان فراهم کند نوعی مصونیت در برابر بیماری های روانی در فرد ایجاد می شود ولی افراد شکست خورده معمولاً به افسردگی، ناسازگاری و بی قراری مبتلا می گردند". او در ادامه مقاله می نویسد: "اولین قدم جهت پیشرفت دانش آموز فرصت دادن به وی است تا موفقیت را هر چند سطحی تجربه کند و عزت نفس پیدا کند".

بلوم به نقل از رحیمی (۱۳۶۸) می نویسد: "بهره گیری از راه های زیر می تواند در ایجاد انگیزه در دانش آموزان به معلمان کمک کند:

۱- بیان دقیق هدف های آموزشی

۲- استفاده از تشویق های کلامی

۳- بهره گیری از آزمون ها و وضعیت درسی در ایجاد انگیزه

۴- ارائه محرک های جالب و تازه

۵- ارائه ی مطالب از آسان به مشکل

۶- پرهیز از ایجاد رقابت های نامناسب

۷- استفاده از روش های متنوع در تدریس"

در جایی دیگر به این مورد برخورد کردم که:

"تماس و داد و ستد دانش آموزان دارای ضعف درسی با هم سالان صرف نظر از نتایج مطلوب بسیاری که دارد، دست کم این مزیت را دارد که کودک را از حالت خود مداری خارج کند و به واقع گرایی رهنمون می سازد". پارسا (۱۳۵۷)

تجزیه و تحلیل داده ها

خانه و مدرسه در انجام وظایف تربیتی مکمل یکدیگرند خانه مدرسه ی اول فرزند و مدرسه ، خانه دوم اوست و اگر این دو نهاد روش ها و برنامه های هماهنگ نداشته باشند ، در روند رشد کودک اختلال به وجود می آید . دو نهاد خانه و مدرسه نقش اساسی در تکوین شخصیت کودکان و نوجوانان دارند .

بین روش ها و منش های خانه و مدرسه باید همسویی و تشابه وجود داشته باشد و یکی از این دو کانون ، کار دیگری را خنثی نکند ، بلکه به عنوان دو جریان همدل و مکمل عمل کنند . مدرسه باید پیشاهنگ ارتباط با خانه باشد و با روشهای گوناگون اسباب مشارکت فکری اولیا را در امر تعلیم و تربیت فرزندانشان فراهم کند .

روش های برقراری ارتباط میان خانه و مدرسه والدین وظیفه دارند به طور مرتب با مدرسه ارتباط داشته باشند و با کسب اطلاعات کافی از وضع درس و اخلاقی دانش آموزان تصمیم معقولی برای مشارکت در تربیت اتخاذ کنند .

در برقراری باید به چند نکته ی اساسی توجه کرد :

۱- والدین زمانی قادر خواهند بود نقش تربیتی خود را به نحو مطلوب ایفا کنند و با مدرسه ارتباطی صحیح برقرار نمایند که از وضع درس و رفتاری فرزندشان اطلاع کافی داشته باشند .

۲- والدین در موقع حضور در مدرسه ، همیشه باید حفظ آرامش را به عنوان یک اصل به خاطر داشته باشند . گاهی ممکن است پدر و مادر با مشاهده ی ضعف درسی در دانش آموز و یا گریه های او که مخصوصاً در دوره ی ابتدایی بیش تر اتفاق می افتد ، احساساتی شوند و به صورت خشن و برافروخته با اولیای مدرسه برخورد کنند . قطعاً چنین حالتی مخل برقراری ارتباط موثر با مسئولان مدرسه خواهد بود . آن چه انسان از آرامش به دست می آورد ، از خشونت عاید او نمی شود .

۳- ارتباط اولیا با مسئولان مدرسه باید مستمر باشد . معنای استمرار این نیست که هر روز سری به مدرسه بزنند ، بلکه لازم است به طور مرتب در منزل به وضع درسی و رفتاری فرزند خود رسیدگی کنند و بر طبق اطلاعات به دست آمده ، با مدرسه ارتباط برقرار نمایند .

حد و تعداد دفعات حضور در مدرسه را نحوه و میزان رسیدگی به وضع دانش آموزان معلوم می کند . گاهی معلمین جلساتی را در زمان های مختلف تشکیل می دهند و از والدین دعوت به عمل می آورد . حضور مرتب در این جلسات ضروری است و به هماهنگی اولیا و مربیان کمک می کند .

۴- والدین باید در مدرسه به عنوان ولی حضور پیدا کنند نه به عنوان فردی که در یک جای خاص مسئولیت دارد . اگر پدر یا مادر دانش آموز در وزارتخانه یا سازمانی ، مسئولیت اجرایی سطح بالایی دارد و در انجا به عنوان رئیس ایفای نقش می کند و به تناسب مسئولیت ، گاهی امر و نهی می نماید ، نباید با همان شاکله و با همان انتظارات و تصورات وارد مدرسه شود .

همکاری خانه و مدرسه در امور آموزش دانش آموزان

همکاری والدین با مسئولان مدرسه ، در دوره ی ابتدایی از اهمیت و جایگاه خاصی برخوردار است.

می توان گفت بعد اصلی همکاری این دو را همکاری در مسائل آموزشی و پرورشی تشکیل می دهد .

نخستین نکته اینکه والدین باید نسبت به پایه تحصیلی و عناوین دروس فرزند خودشان اطلاع کافی

داشته باشند و با مطالعه مقدمه و مطالب آغازین کتاب های درسی آگاهی نسبی بدست آورند . گاهی در

بحث های مقدماتی کتاب های درسی نکاتی درج می گردد که مطالعه ی آنها برای والدین ضروری است . شناخت نقاط ضعف درسی دانش آموز و همفکری برای آن ضرورت دیگر ارتباط خانه و مدرسه است . پس از گذشت چند هفته از سال تحصیلی می توان در وضع درسی دانش آموز تامل کرد و نقاط ضعف و قوت او را شناخت .

مطلب دیگر توجه والدین و معلمان به ویژگی های روانی کودکان و ارتباط آن با پیشرفت تحصیلی آنان است. به عنوان مثال کودکان نیاز به جلب توجه و ابراز خود دارند . آنها علاقه مند هستند که حاصل کار خودشان را عرضه کنند و بدین وسیله این نیاز در آنان تامین و ارضا شود . میگنایر این نیاز در دوران مدرسه از طریق ارائه حاصل کارهای خود در امور درسی جلوه گر می شود . مثلاً ممکن است کودکی نقاشی بکشد و آن را نزد پدر و مادر خود بیاورد و ارائه دهد . در مقابل این عمل والدین باید به آن توجه کنند و کودک را مورد تشویق قرار دهند . احتیاج به هدف نیاز دیگر کودک است . اگر کودک بداند که درس را برای چه هدفی می خواند و آثار و نتایج هر یک از مواد درسی به او تفهیم شود علاقه اش به درس خواندن افزایش پیدا می کند.

همکاری خانه و مدرسه در امور رفتاری دانش آموزان

ترس از مدرسه یکی از رفتارهای کودک در دوره دبستان است. علل مختلفی ممکن است این رفتار را به وجود آورند. گاهی ممکن است دور شدن از خانواده، به ویژه مادر باعث ترس شود، چون در دوره ابتدایی، رابطه عاطفی کودک با خانواده بسیار قوی است و او مایل نیست از پدر و مادر جدا شود.

ترس از مدرسه و غیبت از مدرسه، هم معنا نیستند . ترس از مدرسه با نوعی دل زدگی و تنفر از مدرسه همراه است، ولی غیبت از مدرسه همراه با چنین حالت عاطفی نیست، بلکه به علل مختلف ممکن است کودک در طول سال تحصیلی چند دفعه در کلاس درس خود حضور پیدا نکند و این امر باعث عقب ماندگی تحصیلی او شود. گاهی ممکن است بیماری کودک موجب غیبت شود.

هرچند بیمار شدن دلیل موجهی برای غیبت است، ولی بعضی از مادران به دلیل یک سرما خوردگی

یا سرفه و یا خس خس کردن خفیف، مانع از رفتن فرزندشان به مدرسه می شوند، در حالیکه او را همراه با

خود به بیرون می برند! در چنین خانواده هایی گاهی با یک سردرد جزئی، از رفتن کودک به مدرسه ممانعت می شود و گاهی نیز تشویق می گردد که وی علائم یک بیماری را بزرگ تر از آنچه هست، نشان دهد . علت دیگر غیبت از مدرسه، ممکن است کار کردن باشد.

بعضی خانواده ها از این بابت شکایت دارند که چرا فرزندشان در منزل، به پرسش ها به خوبی پاسخ می دهد، ولی در مدرسه نمره کمی از معلم می گیرد. به عبارت دیگر کودک توانایی هایی دارد و درس را نیز به خوبی خوانده است، ولی در اثر عواملی قادر به ابراز توانایی های خود نیست. شلوغی کلاس و زیاد بودن عده دانش آموزان مانع از این می شود که معلم بتواند با آنها ارتباط کلامی و عاطفی برقرار کند و با شنیدن پاسخ های یک دانش آموز و ارائه توصیه های لازم، از توانایی های او آگاهی پیدا کند و در نتیجه درباره وی به نحو مطلوب داوری نماید. گاهی هم شلوغی مانع نیست، بلکه معلم روابط انسانی مناسبی با کودک برقرار نمی کند و در نتیجه فضای مناسب برای ابراز وجود و ارائه پاسخ های لازم برای دانش آموز به وجود نمی آید. به عبارت دیگر در اثر فقدان روابط عاطفی سالم، توانایی کودک پنهان می ماند و ممکن است او را به عنوان شاگرد تنبل معرفی کند. ممکن است تحقیر دانش آموز توسط همکلاسی ها موجب اختلال عاطفی در او شود و نتواند در یادگیری مطالب موفقیت به دست آورد و یا آموخته های خود را به خوبی عرضه کند.

گاهی دانش آموزانی که با لهجه متفاوت از دانش آموزان دیگر صحبت می کنند و یا لباس ویژه ای می پوشند، در میان دانش آموزان دیگر احساس غربت می کنند و از جهت عاطفی امنیت خود را از دست می دهند. هر جا که نیازهای عاطفی کودک تامین گردد، برای مطالعه و یادگیری ترغیب می شود و هر جا اختلالات عاطفی پیدا شود، علاقه به درس و یادگیری در او تضعیف می گردد.

موانع مشارکت اولیا در مدرسه

چنانچه مشارکت را گذر از تفکر سنتی اداره ی امور به حساب آوریم ، بدیهی است برای تحقق آن دشواری هایی وجود داشته باشد . مشارکت نگاه قدرت طلبانه و ساختارهای سنتی اداره را به مبارزه می طلبد بنابراین طبیعی است خود این ساختارها از جمله موانع اصلی مشارکت به حساب آیند .

موانع مشارکت اولیا در امور مدرسه در قالب انجمن اولیا و مربیان را می توان از دو منظر مورد توجه

قرارداد.

۱- موانع مشارکت اولیا از سوی مدرسه

۲- موانع مشارکت از سوی اولیا

موانع مشارکت از سوی مدرسه

در هر مجموعه ای مدیر به عنوان اثر گذار ترین عامل در موفقیت آن در دست یابی به اهداف قلمداد می شود .

از این رو نگاه مدیر مدرسه به انجمن اولیا و مربیان و مشارکت اولیا در امور مدرسه نقش اساسی در نزدیکی یا دوری اولیا به مدرسه ایفا می کند .

نگاه مشارکت جویانه ی مدیران موجب استفاده ی مطلوب از ظرفیت های اولیا می گردد و آنها نیز با نگاه خدمت به فرزندان خویش با مدرسه ارتباط صمیمی برقرار نموده ، در رفع موانع و مشکلات آموزشی و پرورشی ، از هر گونه اقدامی دریغ نمی کنند . بر عکس ، نگاه منفی مدیران به مشارکت اولیا موجب فاصله گرفتن آنها از مدرسه می شود و عملاً حل مسائل و مشکلات آموزشی و پرورشی مدرسه به آسانی صورت نمی گیرد .

به طور خلاصه موانعی که از سوی مدرسه بر سر راه مشارکت اولیا در امور ایجاد می شود ، به قرار

زیر است :

۱- نگاه سنتی مدیر به اداره ی مدرسه

۲- آشنا نبودن مربیان به مزایای مشارکت اولیا

۳- احساس ناتوانی در هدایت اولیا به سمت فعالیت های آموزشی و پرورشی

۴- ترس از مداخله ی بیجای اولیا در امور مدرسه

۵- نگاه منفی مدیر به حضور اولیا در مدرسه

۶- ترس از کم شدن قدرت مدیر یا به عبارتی قدرت طلبی مدیر

۷- نگاه سنتی به انجمن اولیا و مربیان مدرسه

۸- عدم انگیزه ی مدیر در جلب مشارکت اولیا موانع مشارکت از سوی اولیا

عدم مشارکت اولیا در امور مدرسه به عوامل متعددی بستگی دارد که از جمله ی مهم ترین آنها عوامل فرهنگی و اجتماعی و عدم آگاهی اولیا نسبت به حقوق خویش است . بسیاری از اولیا معتقدند که مسئولان مدرسه ارزشی برای عقاید و نظریات آموزشی و پرورشی آنها قائل نیستند . بسیاری از اولیا نیز تعلیم و تربیت را وظیفه ی دولت می دانند و هر گونه مسئولیتی در این زمینه را از خود سلب می کنند . برخی به تجربه دریافتند که مسئولان مدرسه از طریق انجمن اولیا و مربیان مدرسه تنها نگاه اقتصادی به آنها دارند و در دیگر امور هیچ حقی برایشان قائل نیستند .

عواملی از این نوع و عدم آگاهی اولیا نسبت به حقوق خویش و فرزند خود موجب گردیده است که ارتباط اولیا و مربیان از انسجام لازم برخوردار نباشد . در نتیجه ی این امر عدم موفقیت لازم در تعلیم و تربیت کودکان، نوجوانان و جوانان بوده است .

به طور خلاصه برخی موانع مشارکت از سوی اولیا عبارتند از:

- ۱-عدم آگاهی از مزایای مشارکت
- ۲-عدم آگاهی از حقوق خویش در قبال مدرسه
- ۳- ترس از درخواست کمک مالی به مدرسه
- ۴- ترس از موضع گیری خشونت آمیز مسئولین مدرسه در قبال ارائه ی عقاید و نظریات آموزشی و

پرورشی

۵- نداشتن فرصت مشارکت

۶- عدم آگاهی نسبت به چگونگی مشارکت

۷- باور داشتن به مسئولیت پذیر بودن فرزند

۸- احساس بی توجهی نسبت به عقاید و نظریات آنها توسط مسئولین مدرسه

۹- فقدان مکان مناسب برای حضور اولیا در مدرسه

یافتن راه حل ها

برای از بین بردن عوامل موثر بر افت تحصیلی و مشارکت والدین راه هایی وجود دارد که بر اساس بحث و گفت و گو با همکاران و مطالعه و تجربه خودم آنها را گردآوری نمودم. در حقیقت در اجرای راه حل ها عواملی باید به وجود بیایند تا معلول از بین برود که من آن ها را در نموداری به نام نمودار عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی نوشتم.

با توجه به این نکات برای از بین بردن یا کاهش اثر، انتخاب کرده بودم راه حل ها را نوشتم.

۱- زمان کافی برای مشارکت اولیا وجود داشته باشد. در این جهت ، دولت می تواند با تصویب قانونی ، حضور اولیا ، به ویژه پدران را در زمان برگزاری انتخابات انجمن اولیا و مربیان مدرسه و نیز تشکیل جلسات عمومی انجمن در طی سال ، به مدت ۸ ساعت قانون مند نموده جزء زمان کار آنها به حساب آورد .

۲- باز نگری در قوانین و مقررات موجود در زمینه ی ارتباط اولیا با مدارس و تدوین قوانین مرتبط با موضوع ، در سطحی بالاتر از آموزش و پرورش ، از جمله در هیأت محترم دولت یا مجلس محترم شورای اسلامی ، با توجه به نیاز ها و الزامات فرا روی جامعه

۳- هدایت قانون مند مدیران آموزش و پرورش از جمله مدیران مدارس در جهت جلب مشارکت های اولیا و ارزیابی از عملکرد آنها در این زمینه

۴- پخش برنامه های مناسب از طریق رسانه های ارتباط جمعی ، به ویژه تلویزیون ، برای تبیین مزایای مشارکت اولیا در امور مدرسه

۵- افزایش منابع و امکانات انجمن اولیا و مربیان برای اجرای برنامه های مرتبط با جذب مشارکت

های اولیا

۶- آگاه ساختن معلمان در مورد توانایی و ظرفیت عظیم اولیا در آموزش و پرورش کودکان و

نوجوانان

۷- آموزش معلمان در جهت تقویت مهارت‌های ارتباطی آنان با اولیا برای شناخت بهتر انتظارات و

نیازهای طبقات مختلف اجتماعی

۸- ایجاد تغییر و تحول در نحوه ی تشکیل انجمن اولیا و مربیان در مدرسه

۹- قدردانی از فعالیت ها و همکاری های اولیا در مدرسه

۱۰- استفاده مناسب از توانایی های تخصصی و مهارت‌های اولیا

۱۱- تقویت مهارت‌های آموزشی و پرورشی اولیا

۱۲- ایجاد تحول در جامعه ی محلی اطراف مدرسه ، بازدید معلمان از خانه دانش آموزان پر مسئله

، حضور داوطلبان در مدرسه و ...

انتخاب طرح جدید و اجرای آن

پس از بررسی کامل متوجه شدم که برای رسیدن به هدفم روش های بسیاری وجود دارد که

دیگران هم استفاده کرده و گاهی نیز موفق شده اند. اما من روش زیر را برای دستیابی به هدفم پیدا کردم

که خیلی سریع می توانستم با اجرای آن به بسیاری از عوامل اثرگذار بر پیشرفت تحصیلی دست پیدا کنم

که هنوز در هیچ جایی و کتاب و تحقیقی نوشته نشده است

روش اول: دادن برنامه ی درسی به اولیاء و دانش آموزان

قبل از هر کاری چون به این نتیجه رسیده بودم که دانش آموزانم در خانه برنامه درسی منظمی

ندارند و دچار سردرگمی هستند با کمک خود دانش آموزان در تاریخ ۹۵/۹/۱۲ در ساعت انشا شروع کردیم

به تهیه یک برنامه درسی که در توان کلیه دانش آموزان باشد. برای این که بعد از تعطیل شدن کلاس و

رفتن به خانه بدانند چه ساعتی باید چه کاری انجام دهند این بیشتر یک برنامه پیشنهادی بود که کلیه

دانش آموزانم از آن استقبال کردند. ضمناً به اولیاء هم خبر دادم که در این رابطه مشارکت عمیقی با دانش

آموزان داشته باشند.

روش دوم: تبادل نظررودرروی اولیا و دانش آموزان

در این روش دانش آموزان با اولیای خود صحبت می کنند. دانش آموز می بیند و متوجه می شود که پدر و مادر او چگونه فکر می کند؟ در نتیجه در اوحس رسیدن به موفقیت ایجاد می شود و جان می گیرد. و علل زیر که از عوامل عمده ای در نداشتن انگیزه و افت تحصیل هستند از بین می رود:

۱- عدم توان آینده نگری

۲- ناتوانی در درس ارزش کار

۳- نداشتن برنامه مناسب درس خواندن

۴- احساس ثنبلی و بی حوصلگی

۵- عدم ایجاد انگیزه برای ادامه تحصیل

۶- ترس و اضطراب در امتحان و ...

می بینید که به همین آسانی بسیاری از عوامل اثرگذار بر پیشرفت نیز ایجاد می شوند و من توانستم با این کار تعداد زیادی از عواملی که در نمودار استخوان ماهی علامت زده بودم را حذف کنم.

روش سوم: تهیه فرم بررسی و نظارت بر تکالیف و اموردرسی توسط اولیا

چون در صحبت هایم با والدین و با مطالعه تحقیقات و نیز بررسی پاسخنامه متوجه شدم که اکثر والدین دانش آموزان از زمان برگزاری امتحانات اظهار بی اطلاعی می نمودند و بعضی از آنها حتی نمی دانستند که فرزندشان چه تکلیفی را باید انجام دهد. و هیچ نظارت مفیدی بر درس خواندن فرزندشان نداشتند طرحی به نظرم رسید که آن را به مرحله ی اجرا در آوردم. با گذاشتن وقت زیادی بر روی این طرح بالاخره فرمی هدفدار تنظیم نمودم. طبق این فرم دانش آموز تکالیفی که از سوی معلم گفته می شد را با ذکر تاریخ در قسمت مربوط به ثبت تکالیف می نویسد که ممکن تکلیف خواندن یک درس برای پرسیدن فردا باشد. یا کتبی مثل نوشتن ۱۰ مسئله مربوط به نسبت و تناسب یا یادآوری تاریخ امتحانی که قبلاً ذکر و مشخص شده است.

پس از رفتن دانش آموز به خانه در ساعت مربوط به خواندن و نوشتن باید فرم را به والدین خود نشان دهد تا آنها از تکالیف فرزندشان با خبر شوند و پس از نظارت بر انجام آنها یعنی خواندن درس نوشتن و مشق و تهیه ی وسیله و ... در قسمت اظهار نظر و امضا، نظر خود را نوشته و امضا کنند.

این فرم باید در کآوری محافظت و هر روز تحویل معلم می شد. تا من نیز پس از بررسی، آن را امضا نموده و در صورت لزوم اظهار نظرم را بنویسم.

قبل از تحویل فرم به دانش آموزانم بار دیگر والدین آنها را دعوت کردم تا در تاریخ ۹۵/۹/۲۵ به مدرسه بیایند و در ساعت ۹ صبح جلسه ای با همکاری مدیریت تشکیل دادیم.

تمام جزئیات فرم را برای والدین توضیح دادم مادران را تشویق به همکاری نمودم و از آنها خواست جهت پیشرفت فرزندشان واقعیت را بنویسند. برای محکم کاری و اطمینان از این که خودشان فرم ها را ببینند از آنها نمونه امضا گرفتم. ساعت بعد از جلسه نیز فرم ها را به دانش آموزانم دادم و توضیحات لازم را به آنها یادآور شدم.

شاید باور نکنید، اما من از فردای آن روز شاهد تغییرات در شاگردانم بودم و این روش آن چنان اثر گذار بود که از همان روزهای نخست همه متوجه تأثیرات ارتباط مستمر بین من و والدین شده بودند و خودم نیز از خوشحالی سر از پا نمی شناختم چون نتیجه را به خوبی لمس می کردم و شور و شوق را در چشمان بچه ها می دیدم.. با این روش نیز اثر عوامل زیر از نمودار استخوان ماهی کاهش یافت یا حذف شد:

۱- بی توجهی والدین نسبت به امور درسی و تکالیف

۲- بی اطلاعی والدین از زمان برگزاری امتحانات

۳- تنبلی و کم کاری

۴- عدم علاقه به تحصیل

۵- اضطراب ناشی از درس نخواندن در امتحانات

۶- عدم رابطه بین خانه و مدرسه

من اینهارا ازجایی متوجه شدم که می دیدم مادران دردیدارهایشان اظهاررضایت می کردندومی گفتند از زمان امتحان خیردارمیشوندوفرزندانشان در خانه خوب درس می خوانند.

گردآوری شواهد (۲)

پس از اجرای این روش ها تا امتحانات نوبت اول تقریباً ۴۰ روز وقت بود که من بر روی دانش آموزانم کار کردم با توجه به حجم کم مطالب درسی سریع با انواع روش های تدریس سعی کردم کار را راحت تر کنم تا دانش آموزان ضعیف نیز خود را بالا بکشند.

با دقت به انجام روش ها توجه می کردم و چندین فرم توسط هردانش آموز تکمیل شده بود و در ارتباط با والدین متوجه بودم که هنوز بر اساس برنامه تدوین شده عمل می کنند و با این که حجم مطالب درسی زیاد شده بود و وقت زیادی برای بررسی تکالیف و فرم های بررسی تکالیف نداشتم ولی از آن نگزاشتم و کارم را ادامه دادم تا پایان سال نیز نتیجه ی خوبی بگیرم و به یاری خداوند و تلاش دانش آموزان ضعیفم آنها در امتحانات در نوبت دوم نیز به خوبی و با وضعیت درسی خوب به موفقیت مورد انتظار رسیدم و نتایج امتحانات نوبت دوم نیز پیوست شده است. طبق وضعیت درسی نوبت دوم معدل کل دانش آموزان بالای بودونیز میانگین وضعیت درسی دروس کتیبیشتر از نوبت اول می باشد.

اعتبار بخشی و ارزیابی

با دادن برنامه درسی در خانه نظمی به فعالیت های دانش آموزان داده می شد و هر کاری را در وقت مناسب انجام می دادند و این باعث می شد زمان بیشتری را به درس خواندن اختصاص دهند.

اجرای روش دوم بعد از روش اول باعث شد که عوامل پیشرفت تحصیلی زیر ایجاد شود یا قوت پیدا کنند:

۱- از بین رفتن کم رویی

۲- ایجاد اعتماد به نفس

۳- جلوگیری از تمسخر و تحقیر

۴- ایجاد انگیزه در دانش آموز

۵-درک ارزش کار

۶-توانایی در آینده نگری و ادامه تحصیل و ...

با اجرای روش تکمیل فرم و اظهار نظرهای والدین و حتی فقط نظارت بر انجام تکالیف و درس خواندن آنها عوامل زیر قوت پیدا می کرد:

۱-توجه والدین به درس و تکالیف فرزندان

۲-آمادگی کامل جهت امتحان

۳-علاقه به درس و تحصیل

۴-ارتباطات مستمر والدین و مدرسه

و در نهایت نتیجه ای که بدین وسیله در کلاس بدست آمد پس از گذشت چهل روز از اولین اقدام و اقدامات بعدی به طور آشکارا در کلاس تغییرات قابل توجهی بدست آمد. شور و شوقی که در دانش آموزان ضعیفم ایجاد شده بود کاملاً مشهود بود. علاقه آنان به امتحان دادن و رقابت های مفید آنان را کاملاً فرد دیگری نشان می داد و دیگر موقع درس دادن آنها بی توجه نبودند.

در نهایت سرگروه ها را صدا زدم و به آنها پرسش نامه ای دادم تا ببینم که اقدامات انجام شده چه تأثیری بر دانش آموزان ضعیف گروه آنها داشته است؟

با بررسی پاسخ ها بر چند مورد بیش از همه تأکید شده بود.

۱-دانش آموزان ضعیف قادر به پاسخگویی بیشتر سئوالات هستند.

۲-تکالیف خود را به خوبی انجام می دهند.

۳-کارهای گروهی و خارج از کلاس را به موقع تحویل می دهند.

با دادن پرسشنامه به دانش آموزان ضعیف برای بار دوم از علاقه ی آنان به درس و مدرسه آگاه شدم و مشخص شد که نظر آنها بسیار تغییر کرده و علاقه مند به ادامه تحصیل می باشند و دیگر در امتحانات اضطرابی ندارند. با برنامه ریزی در خانه درس می خوانند و می خواهند در آینده دارای شغل مناسبی شوند

نتیجه گیری

یکی از نیازهای اساسی والدین و مربیان در امر تربیت و پرورش اخلاقی کودکان ، برقراری ارتباط سالم با آنهاست . ارتباط صحیح بین پدر و مادر و روابط سالم آنان با کودکان ، اولین و مهمترین زمینه رشد و پرورش اخلاقی نونهالان است . اساس تربیت سالم نونهالان جامعه ، بستگی کامل به سلامتی خانواده دارد و سلامتی خانواده مستلزم ارتباط سالم بین اعضای خانواده است .

بیان مسئله وظایف خانواده ها در خصوص وضعیت تحصیلی فرزندان دبستانی خود خانواده در خصوص وضعیت تحصیلی فرزندان دبستانی خود وظایفی به عهده دارد که چند مورد آن به شرح ذیل می باشد :

۱- انتخاب مدرسه و عنایت در انتخاب معلم یکی از ویژگی های پدران و مادرانی که به توفیقات تحصیلی فرزندان خود علاقه مند هستند توجه و عنایت برای انتخاب مدرسه و توجه ویژه به آموزگار پایه تحصیلی فرزندشان است .

۲- برنامه ریزی برای امور آموزشی فرزندان در منزل داشتن برنامه و نهادینه نمودن آن ، رمز موفقیت برای هر فرد در زندگی شخصی و اجتماعی به شمار می آید . مکمل برنامه ی تحصیلات فرزندانمان در مدرسه ، داشتن برنامه ای منظم در خانه برای انجام تکالیف و مرور برنامه های مدرسه است .

۳- آشنا کردن دانش آموزان به پذیرش درس خواندن و انجام تکالیف انجام دادن تکالیف برای فرزندان ما در محیط خانه باید به صورت یک فرهنگ در آمده و به عنوان یکی از برنامه های عادی روزانه برای آنان نهادینه گردد .

۴- فراهم کردن شرایط مناسب و فضای امن خانوادگی ایجاد فضا و بستری مناسب برای درس خواندن فرزندان در منزل از نظر شرایط فیزیکی مناسب و شرایط روانی مناسب قابل توجه است . ارتباط با مدرسه و مربیان برای آگاهی از وضعیت تحصیلی فرزندان و تلاش برای رفع کاستی ها

۵- یکی از مهم ترین اموری که والدین برای مشارکت در برنامه ریزی تحصیلی و مساعدت به فرزندان خود باید عهده دار گردند تماس و ارتباط مستمر با مدرسه ی فرزندان خود است .

این فایل فقط برای مشاهده می باشد. برای خرید فایل ورد و قابل ویرایش این

اقدام پژوهی با قیمت فقط ۲۰۰۰ تومان به سایت علمی پژوهشی آسمان مراجعه

کنید . www.asebankafinet.ir

رابطه خانه و مدرسه تعاملی دوطرفه است . هر دو نهاد تربیتی باید به نقش خود عمل کنند تا تعلیم و تربیت ثمربخش شوند. وجود معلمان با صلاحیت در مدارس، خلاء وجود پدر و مادر را پر نمی کند و وجود والدین توانا و قابل نیز نمی تواند جای مدرسه را بگیرد. همکاری و هماهنگی این دو نهاد مهم در یک برنامه واحد و منسجم می تواند ثمربخش باشد. شکل گیری شخصیت و چگونگی رشد روانی کودکان بیش از همه در گرو عملکرد خانه و مدرسه است . این دو نهاد اجتماعی است که بزرگترین مسئولیت را در رشد و تکامل شخصیت کودکان برعهده دارند.

www.asebankafinet.ir

فهرست منابع

- ۱- صفوی، امان الله. (۱۳۷۵). کلیات روشها و فنون تدریس، تهران، انتشارات معاصر، چاپ ششم.
- ۲- پارسا، محمد. (۱۳۵۷). نظریه های یادگیری و آموزشی، دانشگاه تربیت معلم، چاپ اول.
- ۳- قانمی، علی. (۱۳۷۸). خانواده و مسائل مدرسه ای کودکان، نشر آراین، چاپ سوم.
- ۴- سیف، علی اکبر. (۱۳۸۰). روشهای اندازه گیری وارزشیابی آموزشی، نشر دوران، چاپ چهارم.
- ۵- قاسمی پویا، اقبال. (۱۳۸۲). راهنمای پژوهش در عمل، پژوهشکده تعلیم و تربیت، چاپ چهارم.
- ۶- نصیریان، شهناز. (۱۳۸۲). ارانه ی راهکارهای مناسب جهت کاهش افت تحصیلی دانش آموزان، انتشارات آموزش و پرورش.
- ۷- مبینی پویا، محمد رضا. (۱۳۸۶). راهنمای نوشتن چکیده ی مقاله، سه شنبه، دوم بهمن ۱۳۸۶
- ۸- رحیمی، عبدالکریم. (۱۳۸۶). عوامل موثر بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، چهارشنبه، نوزدهم

دیماه ۱۳۸۶